

جنبش شکوهمند کردستان در آرزوی حمایت!

حرکتی که بدنبال اعدام و شکنجه و حشيانه شوانه سيدقادر در روز ۱۸ تيرماه ۱۳۸۴ در مهاباد براه افتاد، موجی از اعتراض و همبستگی ملی و جنبشهای پشتیبانی را در همه شهرهای کردستان بدنبال داشت. این حرکتها یادآور خیزشهای مردمی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ بود که طی آن هرگاه دریکی از شهرهای کردستان مراسمی برای تشییع جنازه شهیدی برپامیشد، هزاران نفر از دیگرشهرها در مراسم حضور مییافتند. همه ما خاطراتی فراموش نشدنی از صحنه‌های پرشور و از همبستگی، اتحاد و یکپارچگی مردم شهرهای کردستان را بیاد داریم.

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۷ مهاباد شاهد مراسم باشکوه تشییع جنازه مبارز قدیمی و زندانی سیاسی باسابقه عزیز یوسفی بود که به یمن حرکتهای مردمی به تازگی از زندان آزاد و در اثر فشارهای شدید ناشی از سالهای طولانی زندان بیش از چند روزی نتوانست طعم آزادی را بچشد. سخنرانی بیاد ماندنی جناب شیخ عزالدین حسینی و حضور گسترده مردم از شهرهای مختلف کردستان از ویژگیهای این اولین حرکت توده‌ای در کردستان در ماههای پیش از قیام بهمین بود.

در جریان جنبش اخیر که نقطه اوج آن اعتصاب عمومی یکپارچه مردم کردستان در روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۸۴ بود، تعداد زیادی شهید و صدها نفر از جمله فعالین جنبش‌زنان و حقوق بشر همچون خانم رویا طلوعی، جلال قوامی، آزاد زمانی و مادح احمدی بازداشت شده‌اند. اعتصاب مردم «نه»ی بزرگ مردم کردستان به جمهوری اسلامی و عزم راسخ آنان برای مبارزه در راه آزادی، دموکراسی و حقوق ملی را به‌نمایش گذاشت. این همان مردمی بودند که ماه گذشته و در جریان باصطلاح انتخاب ریاست جمهوری با شرکت حداقل و ناچیز خود این پیام را داده‌بودند. (برای نمونه در شهرستان سقر بنا به آمار رسمی وزارت کشور اندکی بیش از ۱۴ درصد شرکت کرده‌بودند)

عکس‌العمل احزاب، سازمانها، فعالین و روشنفکران ایرانی در داخل و خارج کشور در این رابطه جای بسی تأمل است. در جناح راست از ما می‌خواهند که سوگند وفاداری به تمامیت‌ارضی پیش‌درآمد هر صحبت و حرکتی باشد. آقای داریوش همایون در یک مصاحبه رادیویی ضمن محکوم کردن کشتن شوانه سيدقادر ادعا می‌کند که ستم بر شهروندان کرد همان ستمیست که بر همه شهروندان شهرهای دیگر ایران هم می‌رود و در مورد توطن‌های منطقه‌ای و خطر تجزیه ایران هشدار می‌دهد.

آقای بنی‌صدر در مصاحبه‌ای با رادیو روز هه‌لالت همین حرفها را تکرار می‌کند. (اینهم از عجایب اینروزهاست که این رادیو با یکی از سرکوبگران مردم کردستان در مورد جنبش اخیر به‌پای گفتگو مینشیند!) بقیه جریانات جریانات در جناح چپ و میانه - با استثناهایی اندک، همگی از این زاویه خیرها و حرکتهای اعتراضی را منعکس می‌کنند که بتواند پیش‌درآمد و پشتوانه‌ای برای قیام توده‌ای در ایران باشد. ستم ملی و حقوق پایمال‌شده اهالی کردستان فراموش می‌شود.

در این میان امروز مطلب پرمحتوایی از خانم مریم احمدی خراسانی خواندم که عمدتاً در حمایت از خانم رویا طلوعی و در دفاع از فعالیتهای سازمانهای غیردولتی در کردستان بود. از آنجاییکه (همچنانکه خانم خراسانی هم به‌آن اشاره می‌کنند) جنبشهای ملی شباهتهای زیادی با جنبش آزادی زنان دارند، یکی علیه ستم‌جنسی و سیستم مردسالارانه و دیگری علیه ستم ملی و سیستم دیکتاتوری مرکزی، طبیعی مینماید که فعالین فمینیست و جنبش برابری‌طلبی در ایران نه‌تنها زنان کردستان را تنها نگذارند (ویا از یاد نبرند)، بلکه از این زاویه نیز بنگرند که هر گونه پیشروی در زمینه دفاع از آزادی و حقوق دموکراتیک مردم کردستان در واقع میتواند فتح سنگری باشد برای پیشروی جنبش زنان.

اینکه بتوان از هر جرقه‌ای برای ایجاد حرکتی سراسری علیه حاکمیت جمهوری اسلامی استفاده کرد امریست البته بسیار بدیهی و هر انسان آزاده‌ای خواهان بهره‌گیری از همه فرصتها برای تضعیف رژیم می‌باشد. واقعیت اما، اینست که از کردستان جمهوری سرنگون نمی‌شود. قیام بهمین بخوبی این واقعیت را به‌نمایش گذاشت که بدون وجود حرکتهای عظیم انقلابی در تهران و در مراکز صنعتی-اقتصادی بزرگ ایران رژیم را نمیتوان سرنگون کرد.

حال سوال اینست که چرا در طی یکماه گذشته در هیچکدام از شهرهای ایران حرکتی اعتراضی - ولو در اشکال ساده، در پشتیبانی از جنبش کردستان بوقوع نپیوست؟
چرا گروهها، انجمنها مجامع حمایت‌از آزادی و حقوق بشر و غیره و تشکلهای دانشجویی دست‌روی دست گذاشتند؟

چگونه‌است که شاعران، نویسندگان و هنرمندان سکوت کردند؟
بی‌حرکتی و عدم موضع‌گیری جنبش زنان و فعالین آن را چگونه میتوان توضیح داد؟
چرا از جانب مراکز کارگری در ایران پیامی، قطعنامه‌ای و یا حرکتی هرچند ضعیف هم دیده‌نشد؟

چرا توماری نوشته‌نشده؟ نامه سرگشاده‌ای پخش نگریدید؟ این اقدامات در موارد مختلف نقض حقوق بشر در ایران در چند سال اخیر بسیار معمول بوده‌است.
و بالاخره چرا در تظاهراتها و میتینگهای اعتراضی در خارج کشور شاهد حضور لاقبل بخشی از فعالین سیاسی ایران نبودیم؟

در برنامه احزاب و سازمانهای سیاسی کردستان موضوع تجزیه ایران و یا بندی درمورد ایجاد کردستان مستقل وجود ندارد. در عین حال این حقیقت را نمیتوان انکار کرد که ایجاد یک کشور مستقل حق مردم کردستان است و بسیاری این آرزو را در سر میپروراندند. واقعتهای سرسخت ژئوپولیتیک منطقه‌ای و اینکه خاورمیانه بلحاظ شرایط بسیار ویژه سیاسی و داشتن منابع اقتصادی عظیم و در راس آن نفت و گاز، عمق استراتژیک قدرتهای بزرگ جهان را تشکیل میدهد، روشنفکران و سیاستمداران کرد را وامیدارد که واقع بین بوده و در پی فراهم کردن شرایط مناسب برای احقاق بیشترین حق ملی برای مردم کردستان در هماهنگی با سایر ملیتهای ساکن ایران باشند. نگاهی به اوضاع عراق و نقش پر اهمیت نیروهای کرد در معادلات سیاسی- منطقه‌ای به درک این مطلب بیشتر کمک میکند.

کردها منافع زیادی در ایجاد آزادی و دموکراسی در ایران دارند. هرچه حکومت مرکزی بیشتر پایبند حقوق بشر و آزادیهای دموکراتیک و مردمسالاری باشد لاجرم مردم کردستان کمتر تحت فشار ستم ملی و سرکوب قرار میگیرند. عکس این نکته هم درست است. سازمانها، جریانان روشنفکری، دانشجویان و کارگران و مردم ایران علی‌العموم از طریق برآوردن فریاد اعتراض به سرکوب کردستان و پافشاری بر حقوق ویژه مردم کردستان و دیگر ملیتهای ساکن ایران به پیشبرد دموکراسی در ایران کمک میکنند.

آیا برای مثال اگر دانشجویان یک دانشگاه، فعالین جنبش زنان، گروههای مدافع حقوق مدنی شهروندان و یا کارگران یک کارخانه به شیوه‌ای کاملا مسالمت‌آمیز دست به یک تحصن یک یا چندساعته یا یکروزه بزنند و خواسته‌های عمومی مبنی بر مخالفت با سرکوب مردم کردستان، محاکمه عاملین و آمرین حوادث اخیر و آزادی دستگیرشدگان و احترام به حقوق مردم را خواستار شوند و با اینکار عملاً رژیم را ولو یک قدم وادار به عقب‌نشینی کنند، این به پیشرفت جامعه ایران کمک نخواهد کرد؟ فراموش نکنیم که فعالین سیاسی و جنبش کارگری کردستان، دانشجویان و روشنفکران کرد همواره و با شور و شوق در جنبش‌های گوناگون خارج از کردستان فعال بوده‌اند.

هیچکس بهتر از فعالین سیاسی، اجتماعی و مردمان آزاده ایران نمیتواند در عین حمایت از جنبش کردستان در برابر این تبلیغات گسترده که گویا حمایت از مردم کردستان کمک به تجزیه ایران است، ایستادگی کند. برای یاد آوری آنچه که کردها انجام داده‌اند و پاسخ رژیم جمهوری اسلامی ایران چند مورد برجسته را یادآوری میکنم:

- فرمان جهاد صادره در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ بر مبنای خبری کاملاً ساخته و پرداخته مبنی بر اینکه زنان و دختران پرسنل ارتش در سنندج به گروگان گرفته شده‌اند (که خود مقامات رژیم بعدها دروغ بودن را تایید کردند)، قصابیهای آیت‌اله خلخالی در پی حملات هوایی و زمینی بدنبال این فرمان معرف همگان است، مردم سنندج در با دست‌خالی جلو ستون بزرگ ارتشی که بدستور آقای بنی‌صدر میخواست برای رسیدن به مرز حتماً از داخل این شهر چند صد هزار نفری عبور کنند بست‌نشستند. همین ستون در پادگان سنندج مستقر شد و بمدت ۲۶ روز شهر را زیر وحشیانه‌ترین حملات قرارداد،

- مردم مریوان در تابستان سال ۱۳۵۸ برای پرهیز از درگیری به خارج از شهر خودشان کوچ کردند و مردم شهرهای سقز، بانه و سنندج با راهپیمایی طولانی از شهرهایشان بسوی مریوان از این خواست پشتیبانی کردند: پاسخ رژیم اعدام گسترده و سرکوب عریان بود،

- مردم سنندج برای اجتناب از درگیری در شهر تحصن کردند و خواستار خروج پاسداران از شهر شدند؛ همین پاسداران بعدها بسوی همین مردم آتش‌گشودند،

- اهالی شهرهای کردستان بسیار پیش از جنگ ایران و عراق مورد حملات هوایی فانتومهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند،

- یکی از روزهای سرد پاییز سال ۱۳۶۱ اهالی شهر سقز را به بهانه اینکه تعدادی از پیشمرگان شب قبل به شهر وارد شده بودند، از پیرو جوان زن و مرد با پای پیاده از شهر بیرون کرده آنها را راهی روستاهای اطراف کردند (آیا در تاریخ جز نیروهای اشغالگر قدرت دیگری اینکار را با اهالی بی‌دفاع یک شهر کرده‌است؟)

- هیأت نمایندگی خلق کرد و دوستان جنبش کردستان - کرد و غیر کرد در تهران - تمام تلاش خود را برای رسیدن به یک توافق بکار بردند ولی بی‌نتیجه ماند،

- صدها خانواده از شهرهای مختلف کردستان را به جرم اینکه فرزندان آنها اعدام و یا به جنبش مقاومت ملحق

شده بودند به شهرهای دوردست استانهای مرکزی و جنوبی ایران تبعید کردند

- و . . .

اینک میبینیم که مردم کردستان برای پرهیز از جنگ و برای جلوگیری از خشونت و درگیر شدن با نیروهای انتظامی به شیوه‌های کاملاً مسالمت‌آمیز مانند تحصن و نوشتن نامه سرگشاده و تومار به مقامات محلی عمل میکنند. از امکانات بسیار کم و محدود مطبوعاتی استفاده میکرده‌اند و برای اجتناب از وارد شدن هر نوع خسارت مالی و جانی دست به اعتصاب عمومی میزنند و از تردد در خیابانها و کوچه‌های شهرها خودداری میکنند.

این جنبش نشان داد که رشد کرده و مسالمت‌آمیز عمل میکند ولی در عین حال تسلیم زور و تحقیر نمیشود. جنبش مردم کردستان شایسته حمایت است. سکوت و انفعال اپوزیسیون مترقی و طرفداران آزادی و دموکراسی در ایران دست سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی را در تداوم بخشیدن به خشونت و سرکوب در کردستان باز میگذارد.

احمد اسکندری استکهلم ۱۸ مرداد ۱۳۸۴ برابر با 9/8/2005